



آیا واقعا مادر امام سجاد(ع) ایرانی و دختر یزدگرد ساسانی است؟

با رجوع به منابع مختلف شیعه و سنی درمی یابیم که از میان ائمه شیعی بیشترین اختلاف درباره نام مادر امام سجاد(ع) وجود دارد...

با رجوع به منابع مختلف شیعه و سنی درمی یابیم که از میان ائمه شیعی بیشترین اختلاف درباره نام مادر امام سجاد(ع) وجود دارد.

به گزارش خبرگزاری مهر، همواره سؤالهای زیادی وجود دارد که ذهن افراد را به خود مشغول می کند، گروه دین و اندیشه خبرگزاری مهر برخی از پرتعدادترین سؤالاتی که توسط مردم از مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی پرسیده می شود را برای آگاهی مخاطبان ارائه می کند.

پرسش: آیا واقعا مادر امام سجاد(ع) ایرانی و دختر یزدگرد ساسانی است؟

با رجوع به منابع مختلف شیعه و سنی درمی یابیم که از میان ائمه شیعی بیشترین اختلاف درباره نام مادر امام سجاد(ع) وجود دارد تا جایی که برخی از محققان با استفاده از منابع مختلف چهارده نام(۱) و برخی دیگر تا شانزده(۲) نام برای مادر آن حضرت(ع) ذکر کرده اند(۳).

مجموع این نامها چنین است: ۱. شهربانو، ۲. شهربانویه، ۳. شاه زنان، ۴. جهان شاه، ۵. شه زنان، ۶. شهرناز، ۷. جهان بانویه، ۸. خوله، ۹. بزة، ۱۰. سلافة، ۱۱. غزاله، ۱۲. سلامة، ۱۳. حرار، ۱۴. مریم، ۱۵. فاطمة، ۱۶. شهربان.

با آنکه در منابع تاریخی اهل سنت بر روی نامهایی چون سلافة، سلامة، غزاله بیشتر مانور داده شده است،(۴) اما در منابع شیعی و به خصوص منابع روایی آنها، نام شهربانو بیشتر مشهور شده است. بنا به نوشته برخی از محققان(۵) اولین بار این نام در کتاب «بصائر الدرجات» محمد بن حسن صفار قمی (متوفی ۲۹۰ ق) دیده شده است.(۶) بعدها محدث معروف شیعی یعنی کلینی (م ۳۲۹ ق) روایت همین کتاب را در کتاب کافی آورد.(۷) بقیه منابع یا از این دو منبع بهره گرفته و یا آن که روایاتی ضعیف و بدون سند معتبر را در نوشتههای خود آورده اند.(۸)

در این روایت چنین آمده است: «چون دختر یزدگرد را نزد عمر آوردند، دوشیزگان مدینه برای تماشای او سر می کشیدند و چون وارد مسجد شد، مسجد از پرتوش درخشان گشت. عمر به او نگریست، دختر رخسار خود را پوشید و گفت: اف بیروج بادا هرمز (وای، روزگار هرمز سیاه شود)! عمر گفت: این دختر مرا ناسزا می گوید و بدو متوجه شد! امیرالمؤمنین(ع) به عمر فرمود: تو این حق را نداری که به او آسیبی برسانی، به او اختیار ده که خودش مردی از مسلمانان را انتخاب کند و در سهم غنیمتش حساب کن. عمر به او اختیار داد. دختر آمد و دست خود را روی سر حسین(ع) گذاشت. امیرالمؤمنین علی(ع) به او فرمود: نام تو چیست؟ گفت: جهان شاه. حضرت فرمود: بلکه شهربانویه باشد.

سپس به حسین(ع) فرمود: ای اباعبدالله! از این دختر بهترین شخص روی زمین برای تو متولد می شود و علی بن حسین(ع) از او متولد گشت. آن حضرت را ابن الخیرتین (پسر دو برگزیده) می گفتند؛ زیرا برگزیده خدا از عرب «هاشم» بود و از عجم «فارسی».(۹)

این روایت از دو جهت سند و متن محل بحث واقع شده است. از جهت سند در آن افرادی مانند ابراهیم بن اسحاق احمر(۱۰) و عمرو بن شمر وجود دارند که متهم به غلو شده و از سوی علمای شیعه مورد تأیید واقع نشده اند.(۱۱)

اما از جهت متن اشکالاتی دارد بدین شرح :

- اسارت دختری از یزدگرد، به شدت محل تردید است.

- اسارت چنین دختری در زمان عمر و به ازدواج امام حسین(ع) درآمدن در این زمان نیز غیرقابل قبول است.

- در هیچ یک از منابع معتبر شیعی به جز این روایت، لقبی با عنوان «ابن الخیرتین» برای امام سجاد(ع) نقل نشده است.

آیا در اینجا نمی توان نوعی ایرانی گرایی افراطی را دید که به خیال خود به جهت پیوند خوردن نسل ساسانیان با نسل پیامبر(ص) در امام سجاد(ع)، خواسته اند آن حضرت(ع) را به عنوان «خیر اهل الارض» معرفی کنند؟

این گونه نقدها بر گزارشهای حاوی نام شهربانو باعث می شود تا این گزارشها را از ساحت ائمه(ع) به دور و آن را ساخته دست حدیث پردازان بدانیم و نام شهربانو را برای مادر آن حضرت(ع) نفی کنیم.

درباره نسب مادر امام سجاد(ع) نیز منابع متقدم تاریخی و روایی دچار اختلاف گشته اند. برخی مانند یعقوبی (متوفی ۲۸۴ ق)(۱۲)، محمد بن حسن قمی(۱۳)، کلینی (متوفی ۳۲۹ ق)(۱۴)، محمد بن حسن صفار قمی (متوفی ۲۹۰ ق) علامه مجلسی(۱۵)، شیخ صدوق(متوفی ۳۸۱ ق)(۱۶) و شیخ مفید (متوفی ۴۱۳ ق)(۱۶) او را دختر یزدگرد دانسته اند، هر چند در نام او اتفاق نظر ندارند. این نسب تقریباً در میان منابع متأخر به عنوان یک شهرت فراگیر جای خود را باز کرده است؛ به گونه ای که میدان اظهار وجود برای دیدگاه های مخالف نگذاشته است.(۱۷)

در مقابل این قول، برخی از منابع متقدم و متأخر دیدگاههای دیگری مانند سیستانی، سندی و یاکابلی بودن او را متذکر شده و بسیاری از منابع بدون ذکر محل اسارت او، تنها با عنوان «ام ولد» (کنیز صاحب فرزند) از او یاد کرده اند.(۱۸) برخی نامهای

بزرگان ایرانی هم چون سبحان، سنجان، نوشجان و شیرویه را به عنوان پدر او ذکر کرده‌اند. (۱۹)

برای نقد و بررسی این تَسَب نامی نمی‌توانیم به بحث‌های سندی این گزارش‌ها تکیه کنیم؛ زیرا هیچ یک از اقوال دارای سند مستحکمی نیست. علاوه بر آن که بیشتر کتاب‌های تاریخی همانند تاریخ یعقوبی، مطالب خود را بدون ذکر اسناد نقل می‌کنند. بنابراین باید فقط از راه محتوا به بررسی آن‌ها پرداخت که در این راستا اشکالات زیر خود را نشان می‌دهد:

۱. مهم‌ترین اشکال اختلاف این گزارش‌ها در ذکر نام اوست که منابع مختلف پیش گفته اسامی گوناگونی همانند شهربانو، سلاخه، غزاله برای او نقل کرده‌اند. و این نشان می‌دهد که این مطالب، سازندگان مختلف با انگیزه‌های یکسانی داشته است که همان تعصب ایرانی‌گری و ارتباط دادن میان ایرانیان و امامان(ع) از راه تَسَب بوده است تا به خیال خود فره ایزدی را از ساسانیان به امامان شیعه منتقل سازند.

۲. اختلاف این گزارش‌ها در زمان اسارت او نیز یکی دیگر از اشکالات است که برخی آن را در زمان عمر، برخی دیگر در زمان عثمان و برخی مانند شیخ مفید آن را در زمان خلافت حضرت علی(ع) دانسته‌اند. (۲۰)

۳. اصولاً کتابهایی مانند تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر که به صورت سال شمار جنگ‌های مسلمانان با ایرانیان را تعقیب کرده و مسیر فرار یزدگرد را به شهرهای مختلف ایران نشان داده‌اند، در هیچ موردی به ذکر اسارت فرزندان او نمی‌پردازند؛ با آن که این مسأله، بسیار مهم‌تر از حوادث جزئی است که به آن‌ها اشاره شده است. این نکته جعلی بودن گزارش اسارت دختران یزدگرد را تقویت می‌کند.

۴. برخی از نویسندگان متقدم همانند مسعودی، هنگام ذکر فرزندان یزدگرد سوم، دخترانی با نام‌های ادرک، شاهین و مردآوند برای او ذکر می‌کنند که اولاً با هیچ یک از نام‌هایی که برای مادر امام سجاد(ع) گفته شده، هماهنگی ندارد و ثانیاً خبری از اسارت آنها در تمام نوشته‌های خود به میان نمی‌آورد. (۲۱)

۵. از مهم‌ترین اسناد تاریخی که می‌توان درباره مادر امام سجاد(ع) به آن استناد کرد، نامه‌های منصور به محمد بن عبدالله معروف به «نفس زکیه» است که رهبری مخالفان طالبی (اولاد ابوطالب) را در مدینه بر عهده داشت و همیشه میان او و منصور نزاع و درگیری بود.

در یکی از این نامه‌ها که منصور قصد ردّ ادعاهای محمد مبنی بر افتخاریه تَسَب خود را داده چنین می‌نگارد: «ما وَلَدَ فیکم بعد وفاة رسول الله(ص) افضل من علی بن الحسین و هو لأم ولد». (۲۲) یعنی، بعد از رحلت پیامبر خدا(ص) در میان شما شخصیتی برتر از علی بن حسین (امام سجاد(ع)) ظهور نکرده، در حالی‌که او فرزند ام ولد (کنیز دارای فرزند) بود.

جالب آن است که هیچ اعتراضی - نه از سوی محمد و نه از سوی دیگران - به این فقره شنیده نمی‌شود که علی بن حسین(ع) فرزند کنیز نبود؛ بلکه فرزند شاهزاده‌ای ایرانی بود! در حالی‌که اگر این داستان واقعیت داشت، حتماً محمد بن عبدالله برای پاسخ دادن، به آن استناد می‌کرد.

مجموعه این قرینه‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که دست جعل در ساختن مادری ایرانی با این اوصاف برای امام سجاد(ع) دخالت داشته و عمداً دیدگاه‌های دیگر درباره مادر آن حضرت(ع) - به ویژه دیدگاه‌هایی که او را از کنیزکان بلاد دیگر همانند سند می‌داند - نادیده گرفته است. در حالی‌که تا قبل از اواخر قرن سوم بیشتر ناقلان، او را از کنیزان سِند یا کابل می‌دانستند. (۲۲) بدین سان اظهار نظر قطعی درباره ایرانی بودن امام سجاد مشکل و دلایل و قرائن خلاف آن را اثبات می‌نماید. اگر چه مشهور آن است که شهر بانوی دختر یزدگرد همسر امام سجاد(ع) می‌باشد و علت شهرت آن می‌تواند پیوند نسل ایرانی به بنی هاشم و خاندان پیامبر و همچنین حضور ایرانیان در کربلا باشد بدین معنا که هم مادر امام سجاد و هم خود حضرت در کربلا حضور داشته و این افتخار بزرگ برای ایرانیان است.

همچنین وجود بارگاه منتسب به شهربانو در شاه عبدالعظیم می‌تواند موجب این شهرت باشد و حال آنکه در این باره باید بگوییم که تقریباً تمام منابع متقدم شیعی - که به زندگانی مادر امام سجاد(ع) پس از اسارت پرداخته‌اند - چنین نگاشته‌اند: او در هنگام تولد امام(ع) در همان حالت نفاس از دنیا رفت. (۲۳) و نیز چنین گفته‌اند: یکی از کنیزان حضرت علی(ع) به عنوان دایه به بزرگ کردن او پرداخت و مردم خیال می‌کردند که او مادر امام(ع) است و بعد از آنکه آن حضرت او را شوهر داد، فهمیدند که او دایه امام(ع) بود، نه مادر او. (۲۴) بنابراین، قطعاً از دیدگاه منابع معتبر، حضور مادر امام(ع) در کربلا منتفی است؛ حال با هر نام و نسبی که می‌خواهد باشد.

از مطالب قبل و اثبات عدم حیات مادر امام بعد از تولد امام(ع) خود به خود این موضوع روشن می‌شود. همچنین از سوی محققان معاصر با دلایل قطعی ثابت شده است که بقعه بی بی شهربانو - که در کوهستان شرق ری معروف به کوه بی بی شهربانو پدیدار است - هیچ ربطی با مادر امام(ع) ندارد و بنایی است که در قرون بعدی ساخته شده است. چنان‌که تاریخ ساخت صندوق منبت کاری آن سال ۸۸۸ ق را نشان می‌دهد و درب منبت کاری آن کار عهد صفوی است و الحاقاتی از هنر دوره قاجاریه دارد. (۲۵)

عدم ذکر چنین بقعه‌ای در آثار شیخ صدوق - که خود سالیان دراز در ری می‌زیسته و به آن آشنایی کامل داشته - مؤید دیگری بر عدم وجود این بقعه در قرن چهارم و در زمان شیخ صدوق (متوفی ۳۸۱ ق) است. دیگر نویسندگانی هم که به ذکر احوال عبدالعظیم حسنی و شخصیت‌های بزرگ مدفون در ری پرداخته‌اند، نامی از چنین بقعه‌ای نبرده‌اند.

این احتمال وجود دارد که در قرون بعدی زنی پارسا با نام شهربانو در این مکان دفن شده و با گذشت سالیان، مردمان آن سامان او را با مادر امام سجاد(ع) - که در آن زمان مشهور به شهربانو بوده - اشتباه گرفته‌اند و یا برخی این اشتباه را در زبان

مردم انداخته و با انگیزه هایی به تقویت آن پرداخته اند. (۲۶)

پی نوشت:

۱- ملاآقا دربندی، اکسیر العبادات فی اسرار الشهادات، ج ۳، ص ۱۱۰.

۲- همان.

۳- شهیدی، سیدجعفر، زندگانی علی بن الحسین(ع).

۴- زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۰ و ۱۱.

۵- مقاله «حول السيدة شهربانو» نوشته شیخ محمد هادی یوسفی، مندرج در مجله رسالة الحسين(ع)، سال اول، شماره دوم، ربیع الاول ۱۴۱۲

۶- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸-۱۳

۷- افتخارزاده، محمودرضا، شعوبیه ناسیونالیسم ایران، ص ۳۰۵ که از منابعی چون انساب الاشراف بلاذری، طبقات ابن سعد، المعارف ابن قتیبه دینوری و الکامل مبرد اسامی فوق را نقل می کند

۸- شهیدی، زندگانی علی بن الحسین(ع)، ص ۱۲

۹- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۹، ج ۲۰.

۱۰ - اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹

۱۱- شعوبیه ناسیونالیسم ایرانی، ص ۲۸۹-۳۳۷.

۱۲- با استفاده از ترجمه حاج سید جواد مصطفوی (اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹).

۱۳ - آیت الله خویی، معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۲۰۲ و ج ۱۳، ص ۱۰۶.

۱۴- همان.

۱۵- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۳.

۱۶- تاریخ قم، ص ۱۹۵

۱۷- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۶۹.

۱۸- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۹

۱۹- عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲۸

۲۰- الارشاد، ص ۴۹۲

۲۱- زندگانی علی ابن الحسین(ع)، ص ۱۲.

۲۲- شعوبیه، ص ۳۰۵.

۲۳- حول السيدة شهربانو، ص ۲۸.

۲۴- شعوبیه، ص ۳۲۴.

۲۵- همان، ص ۳۰۴.

۲۶- الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۵۷۰.